

احوال و آثار میرداماد استرآبادی

۲

از اغناطیوس الصیسی

سفرها

نخستین سفر میرداماد از استرآباد به مشهد است که به قصد تحصیل علم . . . چندی در آن شهر که بدان گاه به سبب توجه و عنایت شاهان صفوی رونق و شکوهی یافته بود اقامت گزید و چون از علوم عصریه خود بهره‌ای وافر برگرفت آهنگ قزوین که در آن هنگام پایتخت بود^{۶۰} کرده و «چندی در ازدوی معلی به درس اشتغال نمود و نقوش دقایق طبع نقاد و ذهن وقاد خود را بر صحایف ضمایر علما و فضلا ظاهر گردانید»^{۶۱}. سپس در سال ۹۸۸ میر را میل خراسان افتاد و به قصد زیارت مشهدالرضا از قزوین بیرون شد، و طریق کاشان رهسپار گردید و روزی چند در کاشان اقامت کرده و افاضل و علما به خدمتش شتافته و از محضرش در کفیزی نمودند از آن جمله تقی‌الدین محمد بن شرف‌الدین علی حسینی کاشی است که «به ملازمت آن قبله ارباب دانش و بینش رسیده»^{۶۲} و سه نوبت شرف زیارت میر را درک نموده بوده است.

میرداماد بار دیگر یعنی بسال ۹۹۳ نیز به کاشان رفته است و این هنگامی بوده است که تقی‌الدین کاشی از تالیف تذکره خود «فی الجملة فارغ شده بود»^{۶۳}. رحلت به اصفهان و اقامت در آنجا نیز پس از سال ۱۰۰۰ که پایتخت بدان شهر منتقل شد صورت گرفته است و بیشتر عمر وی در آن شهر به درس و بحث و

تصفح کتب و تفحص آراء و نقد عقاید گذشته است چنانکه نسبت وی به «اصفهان» مشعر بدانست. از رحلات و اسفار دیگر میر اطلاعی در دست نداریم جز سفر آخرین او به عراق عرب به معیت شاه صفی که هم در آن سفر جان سپرد و بعداً به تفصیل در آن باب سخن خواهیم گفت.

شاگردان

میرداماد استادی استادپرور بوده است و بسی از کسانی که از محضرش مستفید بوده‌اند که خود از مشاهیر دانش و ادب‌اند و در عالم علوم نقلی و عقلی و فقه و اصول و حکمت از ناموران بشمارند. ذیلاً به ذکر نام برخی از آنان که از تضاعیف کتب و رسالات برمی‌آید می‌پردازیم:

۱- ملاصدرا

صدرالدین محمد بن ابراهیم بن یحیی شیرازی ملقب به «صدرالمتألهین» و معروف به صدرا و ملاصدرا از دانشمندان نامی قرن ۱۱ و بزرگان فلسفه اسلامی است. وی در خدمت میرداماد و شیخ بهائی و میرفندرسکی تلمذ کرده و در حکمت الهی و اشراق به مرتبه‌ای عالی رسید و از شاگردان نامورش ملامحسن فیض کاشانی و ملاعبدالرزاق لاهیجانی است. ملاصدرا هفت بار پیاده به

۶۰- قزوین تا سال ۱۰۰۰ پایتخت شاهان صفوی بوده و در این سال شاه عباس پایتخت را به اصفهان منتقل کرد.
۶۱- خلاصة الاشعار نسخة خطی مجلس ۶۲- خلاصة الاشعار ۶۳- ایضاً.

مکه رفته و در هفتمین بار بسال ۱۰۵۰ در بصره درگذشت و در همانجا مدفون گردید. آثار او از کتب و رسائل در مسائل مختلف بسیار است و از آن جمله است «الاسفار الاربعه» که مهمترین و مشهورترین اثر وی است و از کتب درسی فلسفه اسلامی بشمار است - «اتحاد العاقل والمعقول» - «اکسیر العارفين فی معرفة الحق والیقین» - «حدوث العالم» - «المشاعر» - «الحکمة العرشية» ملاصدرا شعر نیز میسروده و این رباعی از اوست:

آنان که ره دوست گزیدند همه
در کوی شهادت آرمیدند همه
در مرکه دوکون فتح از عشق است
هر چند سپاه او شهیدند همه ۶۴

۲- زلالی خوانساری

محمد حسن زلالی خوانساری از شاعران دانشور عهد صفوی است که در خدمت میر محمد باقر داماد تلمذ کرده است و در اشعارش وی را ستوده است. در خدمت شاه عباس کبیر بوده و آن سلطان را مدح کرده و فاتش را بسالهای ۱۰۶۱ و ۱۰۳۱ و ۱۰۲۴ نوشته اند. علاوه بر قصاید و غزلیات يك مثنوی سبعة دارد بنام سبعة سیارة که از آن به هفت گنج و سبعة زلالی نیز تعبیر کرده اند. نام هفت مثنوی زلالی عبارتست از: محمود و ایاز - حسن و سوز - آذر و سمندر - شعله دیدار - میخانه - ذره و خورشید - سلیمان نامه ۶۵.

۳- ملا خلیل قزوینی

ملا خلیل بن غازی قزوینی از علما و فضلاء شیعه در قرن یازدهم است و آنچه آنکه در روضات از گفته ریاض العلماء نقل میکند چندی در خدمت میرداماد تلمذ نموده است نیز محضر شیخ بهائی را دریافته است و با ملا محسن فیض کاشانی و علامه مجلسی معاصر بوده و با آنان مباحثه و مجادله علمی داشته است.

ملا خلیل پیرو عقیده اخباریان بوده است و در بسیاری موارد با علمای معاصرش اختلاف داشته چون استعمال دخانیات که آنرا حرام میدانسته و در این باب رساله ای نوشته است عمر ملا خلیل بیشتر در قزوین گذشته است و چندی نیز تولیت موقوفات حضرت عبدالعظیم را داشته است و در شهری مقیم بوده است و به تدریس مشغول. وفاتش بسال ۱۰۸۹ در قزوین اتفاق افتاد و هم در آنجا مدفون گردید. از تألیفات اوست: حاشیه بر شرح شمسیه نصب الدین رازی - حاشیه مجمع البیان طبرسی - رساله حرمت توتون - رساله حرمت نماز جمعه در زمان غیبت امام - الشافی فی شرح الکافی - صافی که شرحی است فارسی بر کتاب کافی ۶۶.

۴- سید احمد

که به گفته روضات ۶۷ خاله زاده میر بوده است و از شاگردانش و در حق او نوشته است: قد قراء علی انولو طبقا الثانیه وهی فن البرهان من کلمة المیزان من کتاب الشفالسنیمننا السالف و شریکنا الدارج الشیخ الرئيس ابی علی الحسین بن عبدالله بن سینا - رفع الله درجه واعلی منزلته - قراءه بحث وفحص و تحقیق و تدقیق.

۵- احمد بن زین العابدین علوی عاملی جبلی

که به سال ۱۰۶۰ یا ۱۰۵۴ در گذشته است و از شاگردان میرزا میرداماد بوده است و علاوه بر تلمذ با دختر میر ازدواج کرده و به سال ۱۰۱۷ از میرداماد اجازه روایت دریافته است. در خدمت شیخ بهائی نیز شاگردی کرده و در سال ۱۰۱۲ از او اجازه روایت گرفته است. از آثار او یکی حاشیه بر شرح جدید تجرید است بنام «ریاض القدس» و دیگر «لطایف غیبی و عواطف لاریبی» که تفسیری است از قرآن درباره اصول دین و مبداء و معاد ۶۸.

۶۴- برای شرح احوال او رک روضات صفحه ۳۳۱ ریحانه الادب ج ۲ ص ۶۴۱. هدیه الاحباب ص ۱۸۵ و تحقیقات پرفسور کرین در مقدمه «المشاعر» ۶۵- رک تذکره نصرآبادی ص ۲۳۰ تاریخ ادبیات برون ج ۴ ص ۱۶۹ فهرست مجلس ۳ ص ۴۶۰
۶۶- برای شرح احوال او رک روضات الجنات صفحه ۲۶۷ و هدیه الاحباب ص ۱۷۶ و ریحانه الادب ج ۳ ص ۲۹۳ و قصص العلماء ص ۲۶۳ و فهرست سپهسالار صفحه ۲۶ ۶۷- صفحه ۱۱۶
۶۸- برای احوالش رک امل الامل ص ۴۲۷ فهرست مرکزی ج ۱ ص ۱۸۹

۶- میرزا محمد قاسم بن محمد عباس الجیلانی

که از احوال او چیزی بدست نیامد.

معاصران الف - سلاطین

میرداماد معاصر دویادشاه مقتدر صفوی یعنی شاه عباس اول و شاه صفی بوده است. و در نزد آنان سخت مکرم و معزز و از نزدیکان آن دوسلطان. و ما شرح سلطنت این دویادشاه را در باب اول بیان داشتیم.

ب - علماء و ادبا و شعرا

۱- شیخ بهائی

شیخ بهاءالدین محمد بن شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد ۶۹ دانشمند نامور عهد صفوی است که ولادتش در چهارشنبه سه روز مانده از ذی الحجه ۹۵۳ در بعلبک اتفاق افتاده است ۷۰. تحصیلات ابتدائی او در نزد پدرش انجام گرفت و در حدود ۱۳ سالگی به همراه پدر از شام بایران آمد و در قزوین پایتخت صفوی اقامت گزید و از خدمت علما و فقہائی که در این شهر گردآمده بودند استفادت کرد از آن جمله ملاعبدالله مدرس یزدی و ملاعلی مذهب و ملافضل قاضی و حکیم عمادالدین محمود تحصیل تفسیر و حدیث و حکمت و کلام و ریاضیات و طب کرد. مدت ها نیز در بلاد عراق عرب و شام و مصر و قدس گذرانیده است و در عهد شاه عباس در اصفهان مقبولیت همگانی داشته است و در نزد سلطان مقرب و معزز می بود و به منصب شیخ الاسلامی و تصدی امور شرعی اصفهان برگزیده شده بود. مؤلف مستدرک الوسائل گوید که شیخ بهائی از میرمحمد باقر داماد روایت کرده است. بهر صورت این دو عالم عصر صفوی بایکدیگر مصادقی استوار داشته اند و داستانهای در این باب هست که در بخش افسانه ها خواهیم آورد.

وفات شیخ بهائی در شب ۱۲ شوال ۱۰۳۰ اتفاق

افتاد و در ماده تاریخ وفاتش گفته اند:

«افسر فضل او فتاد بی سرو پا گشت شرع»

ضل (= ۸۳۰) + ر (= ۲۰۰) = ۱۰۳۰

و مدفنش در مشهد رضوی است. شیخ بهائی علاوه بر شاگردان بسیاری که تربیت کرده است تالیف فراوانی دارد که نزدیک ۹۰ جلد کتاب و رساله است و معروفترین آنهاست: کشکول خلاصه الحساب - شرح اربعین حدیثا - فواید الصمدیه فی علم العربیه - مفتاح الفلاح فی عمل الیوم واللیله. اشعاری نیز بفارسی و تازی دارد. از غزل و قطعه و مثنوی و ۷۱ چند منظومه در معانی عرفانی و ایمانی چون شیر و شکر - نان و حلوا - سوانح سفر الحجاج.

۲- میرابوالقاسم فندرسکی

میرابوالقاسم بن میرزابیک بن امیر صدرالدین موسوی فندرسکی از حکما و علماء نامدار عهد صفوی است. هدایت نویسد: «جامع معقول و منقول و فروع و اصول بود و با وجود فضل و کمال اغلب اوقات مجالس و موآنس فقرا و اهل حال بود» ۷۲ وی اهل فندرسک از قسرای استرآباد است و چندی در بلاد هندوستان می گذرانیده است و در ایران نیز مقبولیت داشته و در نزد شاه عباس صفوی و شاه صفی تقریبی.

به سال ۱۰۵۰ درگذشته است و قبرش در تخت بولاد اصفهان بنام تکیه میراکنون معروف است. از آثار او رساله صناعیه - تاریخ الصفویه - تحقیق المزله و مطالعات یادگردد ۷۳.

۳- ملامحمد تقی مجلسی

ملامحمد تقی بن مقصود علی مجلسی اصفهانی معروف به مجلسی اول از علما و محدثین شیعه در قرن ۱۱ است وی پدر علامه مجلسی معروف می باشد و در حدیث از محقق کرکی و ملاعبدالله شوشتری روایت میکند. در زهد و تقوی مرتبه ای عظیم داشته چنانکه وی را به تصوف نسبت داده اند. گویند وی نخستین کسی بوده است که بعد از

۷۰- سلافة العصر صفحه ۲۹۰

۶۹- برای شرح احوال شیخ عزالدین حسین ر.ک: این مقدمه استادان ص. ۴۱

۷۱- برای احوال شیخ بهائی ر.ک: احوال و اشعار بهائی نوشته سعید نفیسی ریحانة الادب جلد ۲ ص ۳۸۲ - روضات الجنات ص ۵۴۹ و کلیات اشعار و آثار فارسی الشیخ بهائی به کوشش غلامحسین جواهری

۷۲- ریاض العارفین صفحه ۲۷۶ ۷۳- ریاض العارفین صفحه ۲۷۶ - آتشکده آذر ص ۱۵۷ نصرآبادی ص ۱۵۳ - روضات الجنات ص ۱۹۷

ظهور صفویه به نشر احادیث شیعه پرداخته و در این راه سعی وافر داشته و فاتش بسال ۱۰۷۰ در اصفهان اتفاق افتاد و در ماده تاریخ فوتش گفته اند:

«صاحب علم رفت از عالم» (= ۱۰۷۰).

از تالیفات اوست: احیاء الاحادیث - حاشیه صحیفه سجادیه - لوامع صاحبقرانی در شرح فارسی «من لایحضره الفقیه» ابن بابویه ۷۴.

وفات

در سال ۱۰۳۹ شاه صفی برای نجات بغداد از دست ترکان عثمانی روی به عراق نهاد سپاه عثمانی تاب مقابله بالشکر شاه صفی نیافته خسروپاشا سردار عثمانی مجبور به فرار گردید شاه صفی پس از شکست وی و تصرف قلعه شهر روز به زیارت بقاع متبر که و مزار امام حسین و علی بن ابی طالب و دیگر امامان شیعه پرداخت.

در این سفر میرداماد هم به همراه سلطان بوده است هر چند در متن وقایع تاریخ ذکر صریح باین امر نشده است ولی پیدا است که همراهی میرداماد با شاه صفی هم در این سفر بوده است چه در ذیل عالم آراء آمده است: «در زمان خاقان رضوان مکان به تقریب مرافقت موکب همایون در سال آمدن خسروپاشا بر سردارالسلام بغداد در حوالی نجف اشرف در بین راه روی توجه به دارالسلام جنان نهاد» ۷۵ و حمله خسروپاشاهم در خلال سنوات ۳۰ و ۴۰ بوده است لهذا تاریخ وفات میر باید ۱۰۴۰ بوده باشد و این تاریخی است که برخی ذکر کرده اند و اغلب تاریخ ۱۰۴۱ را تاریخ وفات دانسته اند و شاید علت این اختلاف از آنجا ناشی باشد که اگر وقوع وفات در ۱۰۴۰ بوده است در اواخر آن سال اتفاق افتاده شد. بعضی تواریخ دیگر نیز یاد کرده اند که معتبر نیست از آن جمله

رضاقلی خان در مجمع الفصحا ۹۲۹ را یاد کرده است ۷۶ و مولانا محمد قدرت الله کویا موی ۷۷ و مولوی مظفر حسین صبا ۷۸ ۱۰۳۶ و میرزا محمد صادق بن محمد صالح اصفهانی ۳۳ ۷۹ ضبط کرده است. پروفیسور ادوارد برون در تاریخ ادبیات خود در جایی ۱۰۴۰ را که مطابق ۳۱-۱۷۳۰ میلادی آورده است ۸۰ و در جانی دیگر ۱۰۴۱ را که مطابق ۳۲-۱۶۳۱ است ۸۱. برخی نیز سال ۱۰۴۲ را یاد کرده اند. در ماده تاریخ وفاتش شاعری ملا عبد الله امانی ۸۲ نام گفته است:

فغان از جور این چرخ جفاکیش
کزو گردد دل هرشاد ناشاد
ز اولاد نبی دانای عصری
که مثلش ما در ایام کمزاد
محمد باقر داماد کز وی
عروس فضل و دانش بود دلشاد
خرد از ماتمش گریان شد و گفت

«عروس علم و دین را مرد داماد» ۸۳
مصراع اخیر بدین صورت مطابق است با سال ۱۰۴۱ و اگر مصراع چنین باشد «عروس علم دین را را مرده داماد» مطابق است با ۱۰۴۰.
صاحب «نخبة المقال» در رجال منظوم خود گفته است:

والسید الداماد سبط الکرکی
مقبضة الراضی عجیب المسلك ۸۴
که «الراضی» مطابق است با ۱۰۴۲ ولی اگر «ارضی» خوانده شود ۱۰۴۱ می گردد. بهر حال جسد میرداماد را به نجف برده و او را در آنجا بخاک سپردند و قبرش در زیر قبه در رواق مطهر حضرت امیر (ع) است وقتی که از ایوان داخل رواق می شوند ۸۵.

- ۷۴- برای احوالش رک. روضات ص ۱۲۹ ریحانة الادب ج ۳ ص ۳۶۲ هدیة الاحباب ص ۲۳۲
۷۵- صفحه ۲۹۸ ۷۶- ج ۱ ص ۱ ۷۷- نتایج الافکار ص ۴۵
۷۸- تذکره روز روشن ص ۵۲ ۷۹- شاهد صادق (فصل ۷۹ مجله یادگار شماره ۱۰ ص ۳۱) ۸۰- تاریخ ادبیات ایران از آغاز عهد صفویه تا زمان حاضر ترجمه رشید یاسمی ص ۱۷۱ ۸۱- ایضاً ص ۲۵۹ و ۲۷۹
۸۲- نصرآبادی در حق او نویسد: «ملا عبدالله ماهانی تخلص گویا از ولایت کرمان است به هند رفته از خدمت مرحوم میر محمد سعید میرجمله بوده مکتبی بهم رسانیده به اصفهان آمده فوت شد. دیوان او دیده شد قریب به هزار بیت بود اما هموار است چند تاریخ خوب گفته» (تذکره نصرآبادی صفحه ۳۰۹) ۸۳- نصرآبادی ص ۳۸۲
۸۴- نخبة المقال ص ۸۹ ۸۵- منتخب التواریخ حاج ملا هاشم خراسانی ص ۱۳۳

زهد و تقوی

میرداماد از آن دانشمندانی بوده است که علاوه بر مراتب علمی و غزارت و تجریدی که در حکمت و فلسفه و معقول و منقول و علوم اسلامی داشته است بزبور تقوی و زهد آراسته بوده و جان و دلش از فروغ ایمان فروزان. و این صفتی است که اغلب نویسندگان میر را بدان ستوده و قسمتی از سخن خود را درباره او به بیان آن اختصاص داده‌اند. از آن جمله نوشته‌اند که مدت ۴۰ سال در بستر آرامش نخفت و تن نیاسود و هرگز نوافلش ترک نکردید^{۸۶} و نیز صاحب «حدائق‌المقربین» از بعضی ثقات نقل کرده که او هر شب ۱۵ جزء از قرآن را تلاوت میکرده است^{۸۷} و نیز گفته‌اند که مدت ۲۰ سال فعل مباح از او صادر نگردید^{۸۸}.

افسانه‌ها

در پیرامون حیات میرداماد و روابط او با بعضی معاصرینش افسانه‌هایی در کتب مذکور است که لاشک قسمتی از آنها معمول و ساختگی است ولی من حیث المجموع از تضعیف آنها می‌توان به بعضی نکات زندگی او و نیز محیط اجتماعی آن زمان پی برد بهمین منظور ما در اینجا تمام داستان‌هایی را که در پیرامون وی موجود است از کتب مربوط نقل می‌کنیم:

۱- «گویند که روزی ملاصدرا برای درس به مدرس میرداماد حاضر شدند و هنوز میر از خانه بیرون نیامده بود پس تاجری به جهت مهمی به مدرس میر حاضر شده و آن تاجر از ملاصدرا سؤال کرد که میر افضل است یا فلان ملا پس ملاصدرا در جواب گفت میر افضل است و در این وقت میر آمد دید که این حکایت در میان است میر در پشت در یا دیوار توقف نموده و استماع می‌نمود آن شخص تاجر يك از علما را اسم برد و ملاصدرا می‌گفت که میر افضل است پس آن تاجر از ملاصدرا سؤال کرد که میر افضل است یا شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا ملاصدرا گفت میر افضل است آن شخص پرسید که میر افضل است یا معلم ثانی پس ملاصدرا توقف و سکوت کرد

میر بناگاه از پشت دیوار ندا داد صدرا مترس و بگو میر افضل است»^{۸۹}.

۲- میرداماد «دلالت‌الفاظ» را ذاتی می‌دانست. گویند میرداماد را دو نفر تلمیذ از اهل گیلان بود ایشان بمیرداماد گفتند که شما دلالت‌الفاظ را ذاتی می‌دانید پس بفرمائید که معنی «فسک و بسک» چیست میر مدت سه روز فکر کرد پس گفت گویا یکی مخرج بول باشد و یکی مخرج غایط باشد ایشان تصدیق کردند پس در حق ایشان دعای بد کرد که مرا باین لفظ که در نهایت بد بود معطل کردید آن دو نفر در همان ایام وفات کردند»^{۹۰}.

۳- «گویند که ملاصدرا میر را در خواب دید و از او سؤال کرد که مردم مرا تکفیر کردند و شما را تکفیر نمودند باینکه مذهب من از مذهب شما خارج نیست میرداماد در جواب گفت که سبب آنست که من مطالب حکمت را چنان نوشته‌ام که علما از فهم آن عاجزند و غیر اهل حکمت کسی آنها را نمی‌تواند فهمید و تو مطالب حکمت را مبتذل کردی و بنحوی بیان کردی که اگر ملامکتی کتابهای تو را به بیند مطالب آنها می‌فهمد و لذا تو را تکفیر کردند و مرا تکفیر نمودند»^{۹۱}.

۴- گویند میرداماد در تعریض به شیخ بهائی این رباعی را گفته است:

ازخوان فلك قرص جوی بیش مخور

انگشت غسل خواه و صدنیش مخور

از نعمت الوان شهبان دست بدار

خون دل صد هزار درویش مخور

و بهائی در جواب گفته بوده است:

زاهد بتو تقوی و ریا ارزانی

من داتم و بسی دینی و بسی ایمانی

تو باش چنین و طعنه میزن بر من

من کافرو من یهود و من نصرانی^{۹۲}

۵- نیز گویند میرا این مسأله را در این رباعی

از بهائی سؤال کرد:

ای سرره حقیقت ای کان صفا

در مشکل این حرف جوابی فرما

۸۶- روضات ۱۱۶ و نصرآبادی ص ۱۴۹ و ریاض‌العارفین ص ۲۷۸ و هدیه‌الاجاب ص ۱۵۲ ۸۷- روضات ص ۱۱۶ و هدیه‌الاجاب

ص ۱۵۲ ۸۸- قصص‌العلماء ص ۳۳۴ ۸۹- قصص ص ۳۳۴

۹۰- قصص‌العلماء ص ۳۳۴ ۹۱- ایضا ص ۳۳۴-۳۳۵ ۹۲- مستدرک‌الوسائل ج ۳ - ص ۴۳۵

گوئی که خدا بود و دگر هیچ نبود

چون هیچ نبود پس کجا بود خدا؟

و بهائی در جواب گفت:

ای صاحب مسأله تو بشنو از ما

تحقیق بدان که لامکانست خدا

خواهی که تورا کشف شود این معنی

جان در تن تو بگو کجا دارد ۹۳

۶- گویند نماز جمعه را در اصفهان میرداماد

می کرد، روزی سلطان به نماز جمعه آمد و میرداماد دیر

کرده بود ترسیدند که نماز جمعه فوت شود سلطان شیخ

بهائی را امر کرد که نماز جمعه کند چون شیخ مشغول

شد و شروع کرد میرداماد رسید و با عصا اشاره کرد

که پس بایست شیخ به عقب رفت و میرداماد نماز جمعه را

ادا کرد پس تعریضی که شیخ در رساله نان و حلوا دارد

بالتسبیه به میرداماد است یعنی بعضی از کنایاتی که

بعلمای اهل دین دارد مرادش میرداماد است. ۹۴

۷- گویند این رباعی را میر خطاب به بهائی

سروده است:

از شاخ برهنه برگ و برمی طلبم

از خانه عنکبوت برمی طلبم

اندر دهن مار شکر می طلبم

از پشه ماده شیر می طلبم

و بهائی در پاسخ او سروده است:

علم است برهنه شاخ و تحصیل بر است

تن خانه عنکبوت و دل بال و پر است

زهر است دهان، علم و دستت شکر است

هر پشه که او چشید او شیر نر است ۹۵

۸- گویند روزی شاه عباس و میرمحمد باقر و شیخ

بهائی سواره براسب میرفتند شاه خواست که بداند

مابین این دو حسدی و نفاقی هست یا نه اسب میرمحمد

باقر بازی می کرد و اسبی که شیخ بر او سوار بود آرام

میرفت شاه روی به میر کرد و گفت اسب شیخ به غایت

کاهل است و شیخ نمی تواند وی را براند میر گفت عجب

این است که با این بار دانش و فضلی که بر اوست حرکت

میکند شاه عباس پس از چند لحظه رو بشیخ آورده و گفت

اسب میر خیلی بازی می کند شایسته علما نیست که

این قسم اسب برانند شیخ گفت اسب چون سوار خود را

می شناسد از این سبب میر قصد پادشاه شکر خدا را

بجای آورد که در سلطنت وی این قسم مردم یافت

می شوند. ۹۶

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
موسسه عالی علمی و فرهنگی
موسسه تخصصی زبان
موسسه تخصصی حقوق
موسسه تخصصی مدیریت
موسسه تخصصی اقتصاد
موسسه تخصصی مهندسی

۹۳- روضات ص ۵۳۶ - ۹۴- شرح احوال و اشعار شیخ بهائی ص ۵۳ - ۵۴ - ۵۹- ایضا صفحه ۱۵۸ نقل از سفینه ای خطی. (۲)
۹۶- روضات صفحه ۱۱۵ تاریخ سرجان ملک ج ۱ ص ۲۶۷